



Social Issues in Persian Literature

Volume 2(3), Summer 2024



Study of *Nafsat al-Masdor* in the light of Pierre Giraud's Social Semiotics

Ali Hassannezhad^{1*}, Nahid Ahmadi²

¹PhD student in Persian language and literature of Tabriz University. Email: alihasannezhad14@gmail.com

²PhD student in Persian language and literature of Tabriz University. Email: nahidahmadi602@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Full Paper

Article history:
Received: 2024-4-13
Accepted: 2024-5-1

Keywords:
Nafsat al-Masdor
Nasawi
Semiotics
Social Semiotics
Pierre Giraud

ABSTRACT

As a key approach to the close and critical reading of literary texts, social semiotics seeks to discover signs within literary texts. In doing so, it aims to figure out hidden concepts and layers of meanings. Pierre Giraud divides social signs into two categories: identity and etiquette. *Nafsat al-Masdor* is written by Shihab al-Din Muhammad al-Nasawi, the secretary of Sultan Jalal al-Din Khwarazmshahi, whose book recounts the Mongols' invasion of Persia and the fall of of Khwarazmshahi dynasty. Given its soci-historical subject, one can vividly perceive the manifestations of culture, identity, and etiquette in the Khwarazmshahi period. Hence, the book contains abundant social signs and codes demanding to be extracted and interpreted. Therefore, by employing the qualitative method and drawing on Pierre Giraud's insights, the current research attempts to analyze social signs in *Nafsat al-Masdor*. The findings of the current article demonstrate that social signs in *Nafsat al-Masdor* have manifested themselves in identity and etiquette, in turn, being materialized in tone, discourse, postures, gestures, food, and dress revealing the diversity of social codes in the author's time and his close attention to social conditions of his own time.

Cite this article Hassannezhad, A., Ahmadi, N. (2024). Study of *Nafsat al-Masdor* in the light of Pierre Giraud's Social Semiotics. *Social Issues in Persian Literature*, 2 (3), 77-92.



©The author(s)

Publisher: Goletsan University

Doi: 10.30488/SIPL.2024.452281.1054



بررسی نفثه المصدور بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو

علی حسن نژاد^{۱*}، ناهید احمدی^۲

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، رایانامه: alihasannezhad14@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، رایانامه: nahidahmadi602@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کامل علمی	نشانه‌شناسی اجتماعی از جمله رویکردهای انتقادی بازخوانی متون ادبی است که در صد بررسی و کشف نشانه‌های درون‌متنی می‌باشد تا بتواند به لایه‌های مفهومی پنهان آن دست یافته و معانی نهفته در این نشانه‌ها را درک نماید. پی‌یر گیرو، نشانه‌های اجتماعی را به دو گروه هویت و آداب معاشرت تقسیم می‌کند. نفثه المصدور اثر ارجمند شهاب الدین محمد زیدری نسوی، منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، کتابی است که در مورد حمله مغول به ایران و سقوط سلسله خوارزمشاهیان نوشته شده است و با توجه به موضوع آن که مضمونی تاریخی-اجتماعی دارد، می‌توان جلوه‌هایی از فرهنگ، هویت، و آداب و رسوم دوره خوارزمشاهیان را در آن به وضوح دید و از این‌رو، کتاب مذکور دارای رمزگان‌های اجتماعی بسیاری است که نیاز به استخراج و تحلیل دارد. بر این اساس، نگارندگان این پژوهش کوشیده‌اند تا با بهره‌گیری از روش تحلیل کیفی و با تکیه بر دیدگاه پی‌یر گیرو، نشانه‌های اجتماعی را در نفثه المصدور بررسی و تحلیل نمایند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، نشانه‌های اجتماعی در نفثه المصدور در مقوله هویت و آداب معاشرت بازتاب یافته و در قالب عواملی چون لحن سخن، حالات و اطوار، خوراک، پوشاک و ... بروز یافته است که به نوعی بیانگر تنوع رمزگان‌های زمان نویسنده و توجه شایان او به اوضاع اجتماعی جامعه است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۲	
واژه‌های کلیدی: نفثه المصدور نسوی نشانه شناسی نشانه شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو	

استناد: حسن‌نژاد علی؛ احمدی، ناهید. (۱۴۰۳). بررسی نفثه المصدور بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو. نشریه: اجتماعیات در ادب فارسی، ۲ (۳)، ۷۷-۹۲.



مقدمه

رویکرد نشانه‌شناسی، به مطالعه نقش نشانه‌ها و نشانه‌شناسی در فرهنگ و اجتماع و آثار ادبی که بازتاب هویت و فرهنگ هر جامعه‌ای هستند، می‌پردازد. این رویکرد به بررسی چگونگی ایجاد، تفسیر و استفاده از نشانه‌ها در فرایندهای تولید معنا و تأملات اجتماعی می‌پردازد. به بیان دیگر «نشانه‌شناسی علم مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا فرایند دلالت شرکت دارند» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۲۶). پی‌یر گیرو^۱ نشانه‌شناسی را علم بررسی و تحلیل تمام پدیده‌های فرهنگی قلمداد می‌کند که به نظام‌های نشانه‌شناسی متعلق باشند. او و ویلیام موریس - که همواره تلاش نمود تا کار گیرو را در زمینه نشانه، به ویژه در حوزه رفتارگرایی ادامه دهد - معتقد بودند که نشانه‌شناسی قلمرو بسیار گسترده‌ای دارد و هر نوع ارتباطی را در بر می‌گیرد و هر چیزی که دلالت بر چیزی دیگری کند در دامنه این علم قرار خواهد داشت (احمدی، ۱۳۸۳: ۷). نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از حوزه‌های نشانه‌شناسی و از جمله رویکردهای انتقادی است که به بررسی نقش نشانه‌ها و نمادها در فرایندهای اجتماعی می‌پردازد. امروزه بسیاری از اندیشمندان و فرهنگ‌شناسان به‌طور گسترده‌ای از این رویکرد در زمینه‌های مختلف از جمله: رسانه‌ها، فرهنگ، ادبیات، هنر و سیاست استفاده می‌کنند. نشانه‌شناسی اجتماعی به بررسی چگونگی استفاده از نمادها و نشانه‌ها در ایجاد و تقویت هویت‌های اجتماعی، قدرت و سیاست می‌پردازد. این رویکرد نیز مفاهیمی از جمله: نیروی نمادین، ایدئولوژی و تأثیرات فرهنگی اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به جایگاه مهمی که رویکردهای نشانه‌شناختی در عصر حاضر کسب نموده‌اند، در این پژوهش به بررسی بازتاب وقایع و مسائل اجتماعی و بازخوانی رمزگان‌های به کار رفته در کتاب *نفثه المصدور* پرداخته‌ایم. *نفثه المصدور* اثر ارزشمند شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی (وفات ۶۴۷ ق) از جمله کتاب‌های معتبر تاریخ و ادبیات فارسی به‌شمار می‌رود که مؤلف در آن حوادث و وقایع زمان و اوضاع دربار خوارزمشاه و حمله‌های ویرانگر مغولان به آذربایجان، سرنگونی خوارزمشاهیان، نبردها، دفاع‌ها و سرانجام آن را به تفصیل شرح می‌دهد (خانلری، ۱۳۴۸: ۵۱۷). این کتاب یکی از منابع تاریخی مهم دوران استیلای مغولان است و مورخان همواره آن را به همراه کتاب *سیرت جلال‌الدین* (اثر دیگر محمد نسوی) از منابع مهم تاریخی این دوران محسوب داشته‌اند. «با توجه به اینکه این کتاب تاریخی از نوع کتب علمی محسوب می‌شود و به منظور تفهیم و تفاهم است و باید به شیوه مرسل نوشته می‌شد اما نسوی این کتاب را به نثری مصنوع اما مؤثر و دلنشین نگاشته است» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۴۱). از آنجایی که مضمون اصلی این کتاب، تاریخی-اجتماعی است، دربرگیرنده مجموعه‌ای از رمزگان‌ها و نشانه‌هایی است که از نظام‌های جامعه عصر خوارزمشاهی سرچشمه می‌گیرد. نسوی در نگارش این اثر همواره با استفاده از گنجینه‌های اجتماعی و تاریخی گوناگون زمان خود، رمزگان‌هایی را به کار می‌برد که قابل بازخوانی‌اند. در پژوهش حاضر به بازخوانی انتقادی کتاب *نفثه المصدور* اثر محمد نسوی طبق الگوی پی‌یر گیرو پرداخته‌ایم. از میان نشانه‌های آداب معاشرت، لحن کلام، توهین و دشنام و نیز خوراک و از بین نشانه‌های هویت، اسامی و القاب، مکان‌ها، شغل‌ها، پوشاک و نشانه‌های آیین انتخاب شده که بیشترین کارکرد را در جریان کتاب داشته‌اند.

پرسش‌های پژوهش

- بارزترین نشانه‌های اجتماعی در *نفثه المصدور* کدامند؟
- این نشانه‌ها با چه دلالت‌هایی در *نفثه المصدور* بروز کرده‌اند؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش حاضر بر این امر استوار است که با توجه به مضمون تاریخی-اجتماعی *نفثه المصدور* و اوضاع دوره خوارزمشاهی در زمان مؤلف، نشانه‌ها و رمزگان‌های به کار رفته در این اثر، بیشتر از دو مقوله هویت و آداب

¹ Pierre Giroud

معاشرت است که از بین نشانه‌های هویت، اسامی و القاب، مکان‌ها، شغل‌ها، پوشاک و نشانه‌های ظاهری و از میان نشانه‌های ادب معاشرت، لحن کلام، توهین و دشنام و نیز خوراک بیشترین کارکرد را در جریان کتاب دارند. چنان که از نام اثر نیز برمی‌آید، نشانه‌های به کار رفته در *نفته‌المصدر*، غم درونی او و در واقع بیانگر توجه دلسوزانه نسوی به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و پیامدهای حمله ویرانگر مغول است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها و تحقیق‌های بسیاری در مورد بازخوانی و نقد آثار ادبی با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی انجام شده‌است که پژوهشگران، آثار ادبی مختلف را با رویکرد نشانه‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند. هرچند پژوهش‌های مختلفی در مورد *نفته‌المصدر* صورت گرفته اما تاکنون با چنین رویکردی مورد بررسی قرار نگرفته است. از جمله مهمترین پژوهش‌های انجام شده در مورد این کتاب می‌توان موارد زیر را برشمرد:

خدادادیان، مهدی، و اسداللهی، خدابخش (۱۳۹۸)، در مقاله «تحلیل *نفته‌المصدر* از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی» با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی متن *نفته‌المصدر* از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی پرداخته‌اند. آن‌ها در ابتدا مفاهیم نظری مرتبط با نشانه‌شناسی فرهنگی و الگوی مکتب تارتو را تعریف نموده و سپس به تبیین جایگاه خود و دیگری فرهنگی در متن *نفته‌المصدر* پرداخته‌اند و در مرحله بعدی، نحوه بازنمایی رمزگان‌های کمیت، زبان، دین، حرکت، ابزار و معماری در ارتباط با خود و دیگری را مورد بررسی قرار داده‌اند. براساس نتایج این تحقیق، شورش بر نظم درون غالب است و این غلبه در رمزگان‌های مرتبط با بافت انتزاعی تر متن، مشهودتر است. طهماسبی، فریدون، و مظفری، سولماز (۱۳۹۵)، در مقاله «سبک‌شناسی *نفته‌المصدر* زیدری نسوی» ساختار و روابط متقابل واحدها و عناصر متعدد موجود در *نفته‌المصدر* زیدری نسوی را از سه حوزه تکنیک زبانی، محتوا و شکل بررسی کرده‌اند. بتلاب اکبرآبادی، محسن، و خزانه دارلو، محمدعلی (۱۳۹۰)، در مقاله «نمودهای رمانتیسیم در *نفته‌المصدر*» ضمن برشمردن ویژگی‌های مشترک سبکی میان *نفته‌المصدر* و مکتب رمانتیسیم و تکیه همزمان بر ساخت ادبی (درون‌متنی) و بافت تاریخی (برون‌متنی)، به بررسی و تحلیل سازوکارهای شکل‌گیری معنا در این اثر ارزشمند پرداخته‌اند و به نوعی زمینه‌نگرشی نو به متنی کلاسیک را فراهم آورده‌اند. خزانه‌دارلو، محمدعلی، و قاسمی، علیرضا (۱۳۹۵)، در مقاله «گزاره‌های انشایی در *نفته‌المصدر*» نخست به بررسی بسامدی و بلاغی گزاره‌های انشایی موجود در *نفته‌المصدر* و دسته‌بندی معانی و اغراض ثانوی آن‌ها پرداخته‌اند و در گام بعد، گزاره‌های موجود را در پیوند با ذهنیات و عواطف نویسنده و فضای فکری و احساس‌گرایانه کتاب، تحلیل و بررسی کرده‌اند تا بدین طریق به خودآگاه و ناخودآگاه ذهنی مؤلف راه یابند. محبوب، فرشته (۱۳۹۵)، در مقاله «واکاوی ساختاری و زیباشناختی *نفته‌المصدر*» با ترسیم ابعاد مخلف زیباشناختی و موسیقی سیال کتاب *نفته‌المصدر*، به واکاوی و تحلیل ابعاد ساختاری آن پرداخته‌است.

اما چنان که یاد شد، علی‌رغم پژوهش‌های انجام شده، *نفته‌المصدر* از دیدگاه نشانه‌شناسی اجتماعی مورد بازخوانی و بررسی قرار نگرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر به این مهم پرداخته است تا نشانه‌های دال و مدلول را کشف کند و درک بهتر و کامل‌تری را از این اثر ادبی ارائه نماید تا رابطه بین علم نشانه‌شناسی و زندگی اجتماعی در *نفته‌المصدر* آشکار شود.

ضرورت پژوهش

آثار ادبی همواره منعکس‌کننده وضعیت سیاسی، اقتصادی و نیز بیانگر روابط اجتماعی‌اند. با بررسی نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی در این آثار، می‌توان معانی نهفته در لایه‌های زیرین متن را کشف کرد و به تفسیر و توضیح آن‌ها پرداخت.

کتاب نفثه المصدور به دلیل اشاره به مسائل اجتماعی مختلف و واقعیت‌های مهم تاریخی از جمله حمله مغول، همواره بستر مناسبی را برای بررسی این اثر با چنین رویکردی فراهم می‌آورد. بررسی انتقادی کتاب نفثه المصدور، که در سال ۶۳۲ هـ.ق تألیف شده است، با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی، امکان تحلیل مفاهیم مختلف اجتماعی، سیاسی و دغدغه‌ها و اندیشه‌های فکری مؤلف نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی زمان خود را فراهم می‌نماید.

مبانی نظری

نشانه‌شناسی^۱

نشانه‌ها در زندگی انسان نقش بسیار مهمی دارند. از زمانی که انسان به دنیا می‌آید، با نشانه‌ها و نمادها در تعامل است. زبان، نشانه‌های صوتی و تصویری، علائم تجاری، نشانه‌های فرهنگی و مذهبی، علائم راهنمایی و غیره از نشانه‌هایی هستند که انسان در زندگی روزمره خود با آنها سروکار دارد. به طور کلی، نشانه‌ها در زندگی انسان از اهمیت بالایی برخوردارند و بررسی آنها می‌تواند به ما کمک کند تا بهترین راه‌حل‌ها را برای ارتباطات و فهم بهتر از جهان اطراف خود پیدا کنیم. نشانه‌شناسی یکی از زمینه‌هایی است که به طور فعال در بررسی زندگی انسان نقش دارد. نشانه‌شناسی یا «سمیوتیک»، علمی است که به بررسی نشانه‌ها، نمادها و علائم و نحوه ارتباط آنها با معنا می‌پردازد. این علم، دانش بررسی تأثیر نشانه‌ها و نمادها بر فهم و ارتباطات انسانی به عنوان یک پدیده فرهنگی - اجتماعی است. اصطلاح «نشانه» در اینجا به هر نوع نمادی اطلاق می‌شود که می‌تواند با اطلاعات، افکار یا احساسات انسان‌ها مرتبط باشد (بارت، ۱۳۸۳: ۳۰۰-۲۹۹).

ریشه دانش نشانه‌شناسی را می‌توان از یونان قدیم جستجو کرد. افلاطون (۳۴۸-۴۲۸ ق.م) در رساله کراتیلوس، به تأمل و بیان آرای خود در مورد منشأ زبان می‌پردازد و ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م) در کتاب بوطیقا به تأمل در مورد تفسیر اسم پرداخته است. فلوطین (۲۰۴-۲۷۰ ق.م) نیز در دوره باستان با نگارش کتابی درباره زیبایی، شاخص نمادگرایی در هنر محسوب شد؛ به باور فلوطین، هر اثر هنری باید ارائه دهنده یک «ایده» خاص باشد؛ برای مثال «یک معمار» ایده‌ای را که در ذهن خویش دارد به یک بنایی که بیرون از ذهن دارد، تبدیل می‌سازد. از نظر وی، هر اثر هنری نوعی نشانه است که به دنیای ایده‌ها دلالت می‌کند. در سده‌های میانی، نمادگرایی تمثیلی مورد توجه و تمرکز اندیشمندان و حتی عموم مردم قرار گرفت. طوری که مردم در آن عصر، تلاش می‌کردند که از موضوعات کتاب مقدس، کلیساها را بنا کنند و به طراحی اجزای آن بپردازند و به این امر بسیار علاقه‌مند بودند. برای مثال، ستون‌های یک کلیسا، به عنوان نمادی برای پیامبران و قدیسان بود. از جمله بناهایی که بر این اساس طراحی شدند، می‌توان بنای «اورشلیم بهشتی» یا «معبد سلیمان» و «بام بهشت» را برشمرد (روتیو، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۲۰). سرآغاز «علم نشانه‌شناسی» را باید سال‌های ۱۸۵۱-۱۹۱۳ دانست، زیرا که فردینان دوسوسور، در این سال‌ها به نگرش تازه‌ای درباره زبان و نشانه‌شناسی دست یافت. او حدود صد سال قبل و در سال ۱۹۱۰، در دوره زبان‌شناسی عمومی، شکل‌گیری دانش تازه‌ای را پیش‌بینی می‌کند و آن را «علم نشانه‌شناسی»^۲ نام‌گذاری می‌نماید. او این علم را چنین توصیف می‌کند:

«زبان دستگاهی است از نشانه‌ها که بیانگر افکارند و از این رو با خط، الفبای کر و لال‌ها، آیین‌های نمادین، شیوه‌های ادای ادب و احترام، علائم نظامی و... قابل قیاس است. هر چند فقط زبان مهمترین این دستگاه‌ها است. به این ترتیب می‌توان دانشی را در نظر گرفت که به بررسی نقش نشانه‌ها در زندگی جامعه می‌پردازد؛ این دانش بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و در نتیجه بخشی از روان‌شناسی عمومی خواهد بود که ما آن را "نشانه‌شناسی" می‌نامیم. نشانه‌شناسی برای ما مشخص می‌سازد که نشانه‌ها از چه تشکیل شده‌اند و چه قوانینی بر آنها حاکم است. زبان‌شناسی تنها بخشی از این دانش عمومی است. قوانینی را که نشانه‌شناسی کشف خواهد کرد می‌توان در زبان‌شناسی به کاربرد و

¹ Semiotics

² semiologie

به این ترتیب زبان‌شناسی در مجموعه رویدادهای بشری، به قلمرو کاملاً مشخصی تعلق خواهد داشت» (سوسور، ۱۳۷۸: ۲۳-۲۴). امروزه نیز نشانه‌شناسی یکی از زمینه‌هایی است که به طور فعال در بررسی زندگی انسان نقش دارد. نشانه‌شناسی به ما کمک می‌کند تا نحوه تعامل انسان‌ها با نمادها، نشانه‌ها و علائم را درک کنیم و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر فهم و ارتباطات انسانی را مورد بررسی قرار دهیم. علائم و نشانه‌ها در زندگی روزمره ما در قالب زبان، فرهنگ، هنر، تبلیغات و رسانه‌ها حضور دارند و نشانه‌شناسی ما را در درک بهتر از این عناصر کمک می‌کند. از این رو، نشانه‌شناسی نقش مهمی در درک علوم انسانی و اجتماعی دارد و به ما کمک می‌کند تا زندگی انسان و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن را بهتر درک کنیم. از نظر پی‌یر گیرو نشانه‌شناسی دانشی است که به مطالعه و بررسی نظام‌های نشانه‌ای مختلف همچون زبان‌ها، انواع رمزگان‌ها و نظام‌های علامتی می‌پردازد (گیرو، ۱۳۹۹: ۹). دامنه این علم آنچنان وسیع است که علاوه بر زبان، نظام‌های معنایی گوناگون و به طور کلی، هر آنچه که در فرهنگی خاص، دلالت‌گر و دارای معنی باشد، موضوع این علم قرار می‌گیرد (ساسانی، ۱۳۸۹: ۹۰). چنانکه چارلز ویلیام موریس بر این باور بود که دامنه دانش نشانه‌شناسی بسیار گسترده است و هر نوع ارتباطی را شامل می‌شود و به‌طور کلی، هر چیزی که بر چیز دیگری دلالت نماید، در قلمرو نشانه‌شناسی جای می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۳: ۳).

نشانه‌شناسی اجتماعی

نشانه‌شناسی اجتماعی^۱ به عنوان یک حوزه مطالعاتی، بررسی رابطه نشانه‌ها و نمادها با فرایندهای اجتماعی و فرهنگی را دربر می‌گیرد. این حوزه به مطالعه نحوه تأثیرگذاری نشانه‌ها و نمادها بر ارتباطات و رفتارهای گروه‌ها و جوامع می‌پردازد. نشانه‌شناسی اجتماعی به ما کمک می‌کند تا متوجه شویم چگونه نشانه‌ها و نمادها تأثیرگذاری بر ارتباطات گروهی و ساختارهای اجتماعی دارند. این حوزه می‌تواند به ما اطلاعات جالبی در مورد فرهنگ‌ها، اعتقادات و اعمال گوناگون در جوامع مختلف بدهد و به ما کمک کند تا بهترین روش‌ها برای ایجاد فهم و هماهنگی در ارتباطات گروهی را بشناسیم. به باور دوسوسور، نشانه‌شناسی بخشی از روان‌شناسی اجتماعی است. وی در این مورد می‌نویسد: «روان‌شناسان ساخت‌و‌کار نشانه را نزد فرد بررسی می‌کنند.» اما در ادامه به دیدگاه آن‌ها خرده می‌گیرد: «ولی آنان از محدوده اجرای فردی پافراتر نمی‌گذارند، و به خود نشانه، که ماهیتی اجتماعی دارد، نمی‌پردازند.» (سوسور، ۱۳۷۸: ۳۳). نشانه‌شناسی اجتماعی از جمله رویکردهای نگرش بر معنا است. این رویکرد از نشانه‌شناسی، به معناپردازی و فرایند آن در بستر فرهنگ و اجتماع تأکید دارد. در حقیقت، معنی از یک‌سو نتیجه برهم‌کنش ذهنیت معنی‌ساز و اندیشه ذهنیت‌پرداز است و از سوی دیگر، حاصل نظام زبانی به کار گرفته‌شده در اجتماع و فضای اجتماعی - فرهنگی است و این در حالی است که هیچ کدام از آن‌ها را نمی‌توان به راحتی از هم متمایز کرد و به نوعی، هر یک درون دیگری جای گرفته‌اند (ساسانی، ۱۳۸۹: ۸).

پی‌یر گیرو، از جمله نظریه‌پردازان مهم نشانه‌شناسی قرن بیستم است. او معتقد بود که همه چیز در جهان به عنوان یک سیستم از نشانه‌ها و نمادهای مختلفی تشکیل می‌شود و این نشانه‌ها و نمادها قادر به شناسایی و انتقال مفاهیم و ایده‌ها هستند. به باور او، تمامی ارتباطات بشری، از جمله زبان، هنر، و رسانه، بر پایه نشانه‌ها استوارند. گیرو دیدگاه پیچیده‌ای به ارتباط درونی، بین ساختارهای نشانه‌ای و فرهنگی داشت. از دید او نشانه‌ها و نمادها نقش بنیادینی در شکل‌گیری اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای فردی و جمعی انسان‌ها دارند. او بر این باور بود که بررسی عمیق نشانه‌ها و نمادها می‌تواند به فهم بهتر از جوامع و فرهنگ‌ها کمک کند (گیرو، ۱۳۹۹: ۱۴۷). پی‌یر گیرو با تأکید بر نقش بنیادی نشانه‌ها در فرهنگ و ارتباطات انسانی، مفاهیم مهمی در زمینه نشانه‌شناسی ارائه کرد و تأثیرات عمیقی بر زمینه‌های مختلف علوم انسانی به ویژه فرهنگ‌شناسی و زبان‌شناسی داشت. به باور گیرو، نشانه‌ها و نمادها نه فقط در زمینه زبان بلکه در همه جنبه‌های ارتباطات اجتماعی و فرهنگی وجود دارند و او این نشانه‌ها را به عنوان واسطه‌های اصلی برای

¹ Social semiotics

انتقال کنش‌ها و ایدئولوژی‌ها در جوامع می‌دانست. گیرو بر این باور بود که نشانه‌شناسی اجتماعی گونه‌ای از سازمان‌بندی جامعه است که به افراد و گروه‌های گوناگون اشاره نموده و روابط میان آن‌ها را بیان می‌کند (همان: ۱۳۶).

بدین ترتیب، از دیدگاه گیرو، نشانه‌شناسی اجتماعی نه تنها به مطالعه نشانه‌ها و نمادها در زبان، بلکه به ارتباط با مفاهیم اجتماعی و فرهنگی نیز می‌پردازد. این نگرش نشان می‌دهد که نشانه‌ها و نمادها نه تنها از معنای زبانی بلکه از معانی اجتماعی و فرهنگی نیز برخوردارند و تأثیرات عمیقی در ارتباطات و ساختار اجتماعی دارند. گیرو نشانه‌ها را به دو دسته کلی «هویت» و «آداب معاشرت» تقسیم می‌کند که نشانه‌های هویت، نشانگر گروه‌های اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها است و شامل اسامی، القاب، شاخص‌ها، مدل مو، آرایش‌ها، نشان‌ها و خالکوبی‌ها است (همان: ۱۴۷). آداب معاشرت نیز شامل روابط زودگذری چون ایما و اشاره است و البته معنی‌بخش روابط اجتماعی پایدار از طریق اعمالی چون لحن سخن، توهین، دشنام، سلام و خداحافظی، فاصله‌پژوهی، اطوارپژوهی و خوراک نیز می‌باشد (همان: ۱۵۰). در نتیجه، بررسی نشانه‌ها و نمادها در زمینه ارتباطات و فرهنگ از دیدگاه پی‌یر گیرو، نشان می‌دهد که این عناصر نقش مهمی در شکل‌دهی به فرهنگ و ارتباطات اجتماعی دارند و می‌توانند به ما کمک کنند تا بهترین فهم از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را پیدا کنیم.

درباره نفثه المصدور

نَفْثَةُ الْمَصْدُور کتابی به زبان فارسی، اثر ارجمند شهاب‌الدین زیدری نسوی، منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه است. این کتاب در شرح حال مصیبت‌هایی است که در هنگام حمله مغول بر وی گذشته است. نثر این کتاب، نمونه‌ای اعلای نثر فنی در قرن هفتم به‌شمار می‌رود. موضوع اصلی نفثه المصدور، تاریخ ایران در دوره حمله مغولان و سقوط حکومت خوارزمشاهیان است که مؤلف در کنار شرح تاریخی آن دوره، به بیان احساسات خود درباره مخدوم خویش، سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، می‌پردازد. با توجه به این نکته که نسوی منشی جلال‌الدین خوارزمشاه بود و او را در آخرین نبردش با مغولان همراهی کرده است، خاطرات خود را از آن شکست در این کتاب نوشته است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۱). نفثه المصدور در حقیقت «خلطی است که که مبتلا به درد سینه از سینه برون می‌افکند و مجازاً بر سخنی اطلاق می‌شود که از اندوه و ملال دل و درد درون برخیزد و گوینده با آن احساس فراغ و آسودگی نماید. این کتاب دردنامه‌ای است که نویسنده شرح مصائب و آوارگی‌های خود را مقارن حمله مغول به ایران و منقرض نمودن سلسله خوارزمشاهیان در آن نگاشته است» (موسویان، ۱۳۹۳: ۷). این کتاب از جمله کتاب‌های معتبر تاریخ و ادبیات فارسی است و مؤلف حوادث و وقایع زمان و اوضاع دربار خوارزمشاه و حمله‌های مغولان به آذربایجان و سرنگونی خوارزمشاهیان و جنگ‌ها و دفاع‌ها و در نهایت سرانجام آن را به تفصیل شرح می‌دهد (خانلری، ۱۳۴۸: ۵۱۷). انشای کتاب بسیار منشیانه و فصیح است و هر چند نویسنده به افراط از زبان و ادب عربی استفاده کرده است اما با این حال توانایی و مهارت نویسنده در زبان فارسی در قسمت‌هایی از کتاب که دربرگیرنده عبارات زیبای فارسی است، خود را نشان داده است (صفا، ۱۳۹۵: ۲۴۴). از آنجایی که گیرو نشانه‌شناسی اجتماعی را به دو گروه «نشانه‌های هویت» و «نشانه‌های آداب معاشرت» تقسیم می‌کند، در این پژوهش به بررسی کتاب نفثه المصدور با تأکید بر این دو مقوله می‌پردازیم:

نشانه‌های هویت

هویت مجموعه‌ای از نشانه‌ها، خصائل و خصوصیات رفتاری است که فرد از طریق آن از دیگران متمایز می‌شود و به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته می‌گردد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۹). نشانه‌هایی که «مبتین تعلق فرد به یک گروه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا جزء آن است و کار آن‌ها طبقه‌بندی نظام‌های مختلف اجتماعی در هر جامعه است که خود به

شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۲۲). پس هویت می‌تواند عامل تمییز هر فرد یا گروه به شمار رود. هویت در نفثه المصدور نمودهای مختلفی دارد؛ از جمله:

اسامی: نام و اسم هر فردی عنصری زبانی و بیانگر هویت اوست. زیرا هنگامی که از شخصی پرسیده می‌شود: «نام تو چیست؟» انتظار می‌رود فرد «نام» خود را بگوید. نام و نام‌گذاری از جمله ارکان اساسی زندگی اجتماعی انسان به شمار می‌روند (زندى، ۱۳۹۹: ۶۴۶). از دیدگاه گیرو، این نشانه‌ها کاملاً تمایزبخش بوده و رده‌های اجتماعی مختلف را بیان می‌کنند (گیرو، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

نسوی اسامی خاصی برای بیان منظور و مقصود خود در نظر گرفته و بنابر زمان و موقعیت پیش آمده، به این اسامی مراجعه نموده است در منظومه فکری نسوی، بعضی اسامی نشانه سفیدی و برخی دیگر نشانه سیاهی هستند؛ اسامی که سرشار از امید هستند و به نوعی باعث دلگرمی نسوی هستند، با نشانه سفیدی در متن جلوه‌گرند و اسامی اشخاص و مکان‌هایی که در اندیشه او شوم و بد هستند، نشانه سیاهی دارند و نسوی همواره از آن‌ها به بدی یاد می‌کند؛ نام‌هایی از قبیل: نفثه المصدور، تاتار، خاندان ایوبی، جمال علی عراقی و...

نفثه المصدور که نام کتاب نیز هست، با نشان سیاهی بر سینه مؤلف نشسته است. نفثه المصدور به معنی خلط گلو، نشانه غم و اندوه درونی نگارنده است که آن را به رشته تحریر در می‌آورد و می‌نویسد: «از نفثه المصدوری که مهجوری بدان راحتی تواند یافت، چاره نیست و از آئین المهجوری که رنجور را در شب دیجور هجر بدان شفایی تواند بود، گریز نه» (نسوی زیدری، ۱۳۴۳ الف: ۷).

در تمام بخش‌های این اثر، تاتار نشانه سیاهی مطلق است که نه تنها جامعه نفثه المصدور را فرا گرفته است، بلکه در آثار تاریخی دیگر نیز این سایه کاملاً مشهود است. مغولان از جمله وحشی‌ترین و ویرانگرترین اقوامی بودند که در ایران حکومت کردند و تدابیر نابخردانه سلطان محمد خوارزمشاه و عمال حکومتی، اثرات این ویرانگری را چند برابر کرد. عباس اقبالی آشتیانی در کتاب تاریخ مغول، دو اثر عمده برای این حمله برمی‌شمارد: نخست ویرانی شهرها و آبادی‌ها و کشته شدن هزاران انسان بی‌گناه و دیگر ویرانی فرهنگی که رفته رفته و با گذشت زمان نمود می‌یابد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). در تاریخ جهانگشای جوینی نیز می‌توان نمودهای بسیاری از این سیاهی مغولان را مشاهده کرد. جوینی در بیان کشته شدن انسان‌ها در محاصره توسط مغولان، می‌نویسد: «قرب صد هزار از مردان قتال بر زمین افکندند» (جوینی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۹۸) و در شهر مرو نیز «زیادت از صد هزار را شهید کردند» (همان: ۱۳۱). همچنین در سبزواری «هفتاد هزار خلق در شمار آمده بود که دفن کردند» (همان: ۱۳۸). نام مغول همواره نشانه ظلم و بدبختی و جنگ و خون‌ریزی بوده و از آن رد پای خرابی‌ها و ویرانی‌های برجایی مانده است: «اهل تبریز خبر صاخه‌ی عظمی و طامه‌ی کبری بشنودند و ... سر بطاعت تاتار در آوردند...» (همان: ۶۴).

خاندان ایوبی نشان سفیدی و پناه و آسایش است؛ نسوی که هم ابتدای روایت از آن‌ها مخصوصاً از ملک مظفر غازی به خوبی و احترام یاد می‌کند و هم در پایان روایت که زیر سایه حمایت آن‌ها قرار می‌گیرد، آن‌ها را پناه‌گاه و مأمن خود می‌شمارد: «پس بهدایت سعادت و ارشاد بخت... روی به درگاه خلاصه‌ی این خاندان مبارک "خاندان ایوبی"، خدایگان کریم، سلطان رحیم، ملک مظفر... نهادم». (همان: ۱۱۶)

جمال علی عراقی نامی با نشان سیاه، نماد بی‌رحمی و شقاوت و سیاه‌دلی و مرگ است که سایه شومی دارد؛ شروری که بر ارمیه مسلط است و حتی پس از خارج شدن نسوی از ارمیه به سمت خوی، او را رها نمی‌کند و سواران خود را به تعقیب نسوی می‌فرستد که منجر به نزاع بین او و سواران می‌شود که در نهایت، در هوای سرد و برفی، دست و پایش را بسته و او را رها می‌کنند تا از شدت سرما بمیرد: «جمال علی عراقی پیش از من بنده آنجا رسیده بود و عبادت گذشته بعضاً فرو خزیده...» (همان: ۷۵).

شغل: شغل‌ها یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند به شکل قابل توجهی بر هویت اجتماعی افراد تأثیر بگذارد. اشتغال به مجموعه فعالیت‌های مختلفی گفته می‌شود که جهت کسب درآمد برای رفع نیازهای انسانی صورت می‌گیرد (رضی، ۱۳۸۱: ۲۹۶). شغل به عنوان بخشی از زندگی اجتماعی و اقتصادی یک فرد نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت او دارد و می‌تواند تأثیر فراوانی بر روابط او با دیگران، خانواده، و جامعه داشته باشد. اشتغال به یک شغل معمولاً نقشی مهم در تعیین جایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد دارد. شغل می‌تواند به عنوان یک عنصر از هویت اجتماعی فرد شناخته شود و بر روابط او با دیگران تأثیر بگذارد.

شغل‌هایی که در جامعه نسوی رایج است و در نفثه المصدور منعکس شده‌است، شامل شغل‌های مخصوص طبقات فرادست و فرودست جامعه است. از آنجایی که نسوی خود عضو طبقه فرادست است، شغل‌های فروست را در کنایه‌ها و هنگام مجازات یا بدگویی برای تحقیر مخاطب خویش، نام برده‌است؛ مانند: خبّاز و خریطه کش؛ «هر خبّاز که دبیریش فرموده، نانش در انبان نهاده و پیش هر محرر که خریطه کشی کرده، سر جوال بازداشته، خلیع العذار، عذار در خدمت عارض عراق سبز کرده...» (نسوی زیدری، ۱۳۴۳ الف: ۷۶). در جملات ذکر شده از متن نفثه المصدور، نسوی برای تحقیر شخصیتی به نام «جمال علی عراقی» که پیش از او به آذربایجان رسیده بود و به واسطه رواج بازار و رو کردن شانس به وی، با وجود بی‌لیاقتی و ناکارآمدی، به مال و منال و مقام دست یافته بود، با پیش راندن تربیت او پیش خبّاز و خریطه‌کشی پیش هر محرر به بدگویی از او می‌پردازد.

نسوی با توجه به موقعیت اجتماعی زنان طبقات مختلف، به شغل‌های مربوط به آن‌ها نیز اشاره داشته‌است. او هنگام به تصویر کشیدن جشن و سرور شاهانه کنار نغمات و ملاحی و سرود و رود، اوتار و آغانی، از زنان آواز خوان در مجلس عیش و طرب شاه، سخن به میان می‌آورد: «بنغمات خسروانی از نغمات خسروانه متغافل شده... آغانی مغانی بر مثال و مثنای مرثیه‌ی جهانبانی او می‌خواند...» (همان: ۱۸)

«حرامیان» و «صعالیک» گروه دیگر از افراد جامعه نفثه المصدور است که از طریق راهزنی و دزدی کسب درآمد می‌کنند. روشن است که افزایش راهزنان ناامنی هر چه بیشتر راه‌های ارتباطی را به دنبال دارد و این خود نشانگر آشفتگی و نابسامانی حکومت یا نالایق بودن حاکم وقت است. نسوی زیدری چندین بار از راهزنان و دزدان در نفثه المصدور سخن به میان آورده‌است: «حرامیان جهت آن حرام‌ریزه در مکامن عقاب چون عقاب گرسنه، دهان گشاده، و صعالیک به طمع آن خواسته از شاهین پرواز و از شیر زهره فرا خواسته» (همان: ۱۱).

عسس و شحنه از شغل‌های درباری هستند که نسوی از آن و افرادی که عسس و شحنه هستند به خوبی یاد نمی‌کند و این نشانگر بی‌اعتمادی به جریان حاکم و نافرمان بودن عمال حکومت است: «در هر دری از شحنگان قری و استوران ضیاع که بر او کذر افتاد از خویشتن امیرباری و از ما جرمکاری ساخت... و چون بر خلاف معهود بروز عسس می‌گرفت» (همان: ۶۹).

از شغل‌های مهم زمان نسوی شغل «استیفا» است که دستیابی به آن نیاز به کسب اطمینان و شایستگی دارد. نسوی شغل استیفا را مانند نگهبانی مار از گنج قلمداد کرده می‌نویسد: «... در مستقبل خانه بی‌گره و خزانه بی‌حیه نگذارند. اگر چه در مناکحت شغل استیفای کفات، کفایت اعتبار کردن واجب بود...» (همان: ۷۸).

شروع گزارش اوضاع جهان در زمان نگارش نفثه المصدور و احوالی که بر نسوی گذشته بود، ایام بارسالاری معرفی شده است که «بار حوادث را در هم بسته و تیغ به بسرباری در بار نهاده.» (همان: ۱) بارسالار مسئول متصدی حمل کالاهای بازرگانی است که بار می‌بندد و بر دوش کاروان می‌نهد که اینجا بارسالار نشانه بی‌رحمی و شقاوت است.

مکان: «هر مکان یادآور چیزی خاطره‌انگیز برای جمعی از مردم یا تمام مردم است» (ساسانی، ۱۳۹۱: ۵۲). مکان و محیط زندگی یک فرد می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت او ایفا کند. مکان‌ها و محیط‌ها از طریق جوامع، فرهنگ‌ها، و تجربیات فردی در زمان، زندگی و هویت انسان تأثیرگذارند و همواره میان مکان و اشخاص ساکن در آن همبستگی و پیوند وجود دارد «مکان‌ها به طور خاص از بن‌مایه‌هایی ساخته شده‌اند که با معنای شخصیت‌های ساکن

در آن مکان پیوند دارند» (فاولر، ۱۳۹۰: ۶۱). از دیدگاه گیرو، مکان‌ها و انواع تقسیم‌بندی‌های آن، دربرگیرنده نظامی دلالتی هستند که توانایی دسته‌بندی گروه‌های مختلف اجتماعی را دارند (گیرو، ۱۳۹۹: ۱۴۹).

مکان‌هایی که نسوی در کتاب خود از آن‌ها نام برده است هر کدام یادآور تکاپو و نشانی به وسعت سیاهی و سفیدی برای اوست. مکان‌هایی که هر کدام معنایی عمیق به خاطرات او بخشیده‌اند. بعضی از آن‌ها نشان آسایش و بعضی نیز نشان رنج و ویرانی و مرگ را با خود به یادگار گذاشته‌اند. مکان‌هایی مثل ارمیه و پرگری و مسیر خوی که نسوی در آنجا با مرگ دست و پنجه نرم کرده است. یا یورت‌گاهی که مهمان ناخوانده (تاتار) با بلایی ناگهانی نزول کرده است، بیت الاحزانی که کهف دلگیری بود و نسوی زخمی و گرسنه را در آغوش سرد خود کشیده بود، نشان رنج و درد و سیه‌روزی را با خود دارند. علاوه بر این، مکان‌هایی مثل بارگاه پادشاهی سلطان جلال الدین، میارفارقین محل و نشان امن و آسایش که محل حکمرانی خاندان ایوبی بود. ماردین و خراسان و آذربایجان نشان امید و زندگی بودند و هر چند خراسان به گفته شاهدان، در پایان روایت به مکانی ناامن و ویران بدل گشته بود. خراسان، موطن نسوی، نشان امید و زندگی و محل وصال عزیزان و روشنی برای او بود و آرزوی رفتن به خراسان و دیدار عزیزان، نسوی را بر آن داشت تا پس از تحمل سختی‌ها رنج و تعقیب و گریز از لشکر تاتار و راهزنان، تصمیم بگیرد تا به موطن خود، خراسان، عازم شود ولی اعیان با اشاره کردن به خطرات فراوان راه خراسان او را از این کار منع کردند: «اگر هوای خراسان بر آتشم ندادی، غم‌های جهان را باد پندارمی...» (نسوی زیدری، ۱۳۴۳ الف: ۱۱۷).

میافارقین که محل حکمرانی خاندان ایوبی است، همواره نشانه مکان امنی است که نسوی را در پناه خود گرفته و بارها ذکر نام این مکان نسوی را بر آن داشته تا از آن به عنوان مکانی پر از نشاط و سرور و امنیت برای خود یاد کند. وی با اشاره به آستان ایوبی که در میافارقین است، می‌نویسد: «این آستان را که علی الحقیقه آشیان امانست ... مأوای خود ساخته، منظور نظر رأفت و مشمول انواع کرامت و عاطفت روزگار می‌گذرانم...» (همان: ۱۱۶). ارمیه مکانی که نسوی در آن مورد ستم و ظلم و جور جمال علی عراقی و سورانی که بعد از خارج شدن نسوی از ارمیه او را تعقیب کرده بودند، قرار گرفته بود. مکانی سرد و تاریک که با وجود سفیدی برف، نشانی شوم و تاریک از خود برجایی گذاشته است. واقعه ارمیه یکی از جانکاه‌ترین خاطرات اوست که در آن طعم مرگ حتمی را چشیده و تا چند قدمی آن رفته بود. «در پای اسپ افتادم؛ چشم باز بستند و دیده‌ی بصیرت بینا بود، سر و پای بر هم کشیدند و عقل پای بر جای بود... نیم شبی که باد سخت نفس با یکدو افتاد رمقی را که مانده بود، رقم عدم نهاد... هر دو ... مکشوف تن در آن سرما می‌رفتیم و گرمابه می‌پنداشتیم...» (همان: ۹۰).

عقبه پرگری یکی دیگر از مکان‌های تاریک و شوم است که نسوی با استفاده از ارجاعات برون‌متنی از قبیل «و ما ادریک مالعقبه» سختی این منزل صعب‌العبور را به تصویر کشیده است. پرگری شهری در ارمنستان است که مسیرش دارای گردنه‌ای تیز و سردسیر و خطرناک بود و نسوی و همراهانش برای رسیدن به پرگردی به هر سختی و رنجی که شده ناگزیر باید از آن عبور می‌کردند: «عاقبت روی به راه آوردیم جان بر کف دست و هر چه بادا بادا. بحکم آنکه در آن پنج شش روز در چشم، از معنی سواد، جز مردمک چشم نمانده بود و دیده، از باب سیاهی، جز روز بر گردیده ندیده، چشم‌ها، چنانکه مجربست، برف زده بود» (همان: ۱۰۸).

پوشش و لباس: لباس یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند به شکل قابل توجهی بر هویت اجتماعی افراد تأثیر بگذارد. لباس‌ها نه تنها نشان‌دهنده سلیقه شخصی و مدل زندگی یک فرد است، بلکه می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم نقش مهمی در ایجاد هویت اجتماعی او داشته باشند زیرا «پوشش و استتار بدن، جزء جدایی‌ناپذیر حیات انسانی است و برای آن کارکردهایی در دو حوزه "فردی" و "اجتماعی" برمی‌شمارند. از کارکردهای فردی آن، پاسخگویی به نیازهای فطری و خود استتاری است و نیز کارکرد اجتماعی پوشش، هویت‌بخشی آن است. نوع پوشش نشان‌دهنده سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای هر جامعه است» (نوری، ۱۳۸۱: ۱۳۲). با این حال، تأثیرات لباس بر هویت

اجتماعی یک فرد ممکن است در محیط‌ها و جوامع مختلف متفاوت باشد و به شدت به فرهنگ، اعقاد، و شرایط جامعه‌ای او بستگی داشته باشد.

نسوی در نفته المصدور اشاره‌ی زیادی به پوشش نداشته است و مخصوصاً از پوشش طبقه فرودست جز در یک مورد، یاد نکرده است. به هر حال، مردم آن دوران مورد هجوم و غارت قوم تاتار قرار گرفته بودند و فقیر و غنی دارایی خود را از دست داده بودند. او نیم شب را ملبس به لباس تاریکی می‌داند که این خود نشان پوشش مردم آن دوران که فقیر و نادار بودند نیز می‌تواند باشد. همچنین او در جایی از کتاب با کنایه به کلاه از جنس نمد، اشاره می‌کند: «نیم شب، فی امان من لباس الظلام، بر آن حدود گذشتم و پخته خواری چند که هم از این نمد کلاه کرده بودند و هم بر این راه چاه کنده...» (نسوی زیدری، ۱۳۴۳ الف: ۲۲).

نسوی طی چندین مرحله غارت، زاد و توشه و حتی لباس خود را از دست داده بود و سفرهای خود را با اندک مایه و لباسی آغاز می‌کرد. با این حال، پوشش خود را با پوشش مردم عادی و همراهان خود مقایسه می‌کند و می‌نویسد: «پیاده و بی‌لباسی و زواده، هم بحکم ضرورت با من که مقدم و بارسالار و مستظهر و مایه‌دار آنان بودم، بنگر که چگونه باشد احوال همه روی به راه آورده...» (همان: ۱۰۲).

او و مردم همراهش مسیر گذر از عقبه پرگری را که مسیری صعب العبور و سخت سرد بود، با لباسی محقر و ناکافی طی می‌کنند و به سختی به مقصد می‌رسند؛ چرا که قبل از رسیدن به عقبه پرگری دزدان لباس و غذای آن‌ها را غارت کرده بودند: «قوت که ماده‌ی قوت مردم، خصوصاً پیاده رو، تواند بود از دست رفته و تن را جامه‌ای که بی آن بر چنان سردسیر بتوان گذشت، نمانده...» (همان: ۱۰۵).

آیین‌ها و باورها: آیین و باور نوع خاصی از گفتار و اعمال منظم است که از آموزه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرند و نشانه‌ای هستند برای بیان احساسات که توسط جامعه پذیرفته شده‌اند. بعضی از آیین‌ها سالانه و به طور منظم انجام می‌شوند بعضی نیز در آستانه وقوع یا پس از وقوع پیشامد و اتفاقات خاص برگزار می‌شوند. مانند آیین دفن یا آیین جشن و شادباش پس از پیروزی، آیین ازدواج، آیین شب قبل از جنگ برای روحیه‌دهی سربازان و سپاهیان... آنچه مسلم است، در عصر مؤلف آیین‌های بسیاری وجود داشته است اما آنچه با جلوه ویژه‌ای در جامعه نفته المصدور نمود پیدا کرده است، دو آیین وصیت و جشن و خوش‌گذرانی است که به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

الف) آیین وصیت: زیدری پس از گرفتاری‌های زیاد و تعقیب و گریز و چپاول اموالش توسط راهزنان و دزدان و همچنین بعد از تحمل رنج‌های فرار از دست تاتار و ترس جان، آرزوی بازگشت به موطن را در سر می‌پرورد. وقتی خسته و زخمی جان ناقص خود را به خوی می‌رساند، وصیت می‌کند که جسد او را به زیدر ببرند و آنجا دفن کنند: «وصیت می‌کرده‌ام که: چون ودیعت حضرت که هرآینه ...، تابوت قالب را که مأوای جان مشتاق مجروحست...، به زیدر رسانند» (نسوی زیدری، ۱۳۴۳ ب: ۵۵)

ب) آیین جشن و خوش‌گذرانی: آیین جشن و خوش‌گذرانی در دربار شاهی یکی دیگر از آیین‌هایی است که در نفته المصدور ذکر شده است. وقتی سلطان جلال‌الدین از یزکی که برای تجسس از احوال سپاه تاتار به ثغور حوالی فرستاده بود، شنید که خبری از تاتار و سپاهیان نیست. شب قبل از حمله تاتار به خیال اینکه هنوز خبری از آن‌ها نیست مشغول عیش و نوش و سرور خوش‌گذرانی شد: «بنغمات خسروانی از نقمات خسروانه متغافل شده و باوتار ملامی از اوطار پادشاهی متشاغل گشته، سرود رود درود سلطنت او می‌داد و او غافل؛ آغانی مغانی بر مثال و مثانی جهانبانی او می‌خواند و او بیخبر...» (همان: ۱۸)

نشانه‌های آداب معاشرت: آداب معاشرت اجتماعی، مجموعه‌ای از قوانین و رفتارهای پذیرفته شده‌ای هستند که در فرایند معاشرت و ارتباط با دیگران باید رعایت شوند. این آداب نقش بسیار مهمی در ایجاد هماهنگی و تعاملات موفق با دیگران ایفا می‌کنند و به افراد کمک می‌کنند تا در اجتماع به خوبی پذیرفته شده و روابط مثبتی برقرار کنند و افراد این فعالیت‌ها را به طور خوکرده و مرسوم و با پیروی از معیارهای هنجارمند انجام می‌دهند؛ مانند تشکر از کمک

دیگران، رعایت آداب معاشرت، مثل آنها (کوئن، ۱۳۷۹: ۱۵۴). از جمله نشانه‌های آداب معاشرت در نفته‌المصدر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

لحن کلام: لحن کلام یکی از عوامل مهمی است که در ارتباطات انسانی نقش بسیار موثری دارد. لحن کلام نحوه استفاده از کلمات، تن صدا، اصطلاحات بدنی، و ابتسامه‌ها را شامل می‌شود که برای انتقال پیام و ایجاد تأثیر در ارتباطات استفاده می‌شوند که می‌توانند نشان‌دهنده شخصیت، احساسات، و نیازهای شخصی باشند. «افراد در گفتگوهای روزمره و در موقعیت‌های مختلف، از لحن‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. لحن در اصطلاح روایت‌شناسان، علاوه بر آن که به معنای شیوه بیان هر شخصیت است که به آن لحن گفتاری می‌گویند، به معنای ایجاد حالت و فضای خاص بیانی در داستان است که نویسنده به وسیله آن تلقی خود را از موضوع داستان و شیوه مواجهه با مخاطبان را به نمایش می‌گذارد که به آن لحن عمومی یا لحن کلی داستان می‌گویند» (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

لحن کلام نسوی در نفته‌المصدر در بازگویی موقعیت‌های مختلف، نمودهای متفاوتی دارد که گاه دلیرانه و شجاعانه است و گاه مظلومانه و گاه محترمانه است و گاه توهین‌آمیز که هر یک از این لحن‌ها مبتنی بر دلایل مختلفی است؛ برای مثال نسوی در ابتداء بنابر اندوهی که در سینه دارد (چنانکه از نام اثر مشخص است) دیباچه کتاب خود را با لحنی غمگین و اندوهناک آغاز می‌کند و به شکایت از اوضاع روزگار می‌پردازد: «در این مدت که تلاطم امواج فتنه کار جهان بر هم شورانیده است و سیلاب جفای ایام سرهای سروران را جفای خود گردانیده، طوفان بلا چنان بالا گرفته که کشتی حیات را گذر بر جداول ممت متعین گشته» (نسوی زیدری، ۱۳۹۳: ۲۰) که به نوعی مضمون کلی این اثر را به ما می‌نماید.

لحن کلام نسوی در بیان علت دشمنی وزیر با او تغییر می‌کند و لحنی سرشار از ندامت و پشیمانی به خود می‌گیرد: «و آن قربت‌ریزه که یافتم و یا لیت نیافتمی، به خیال فاسد تصور کرده که در مستقبل به مضرت او سرایت خواهد کرد» (همان: ۳۸). نسوی که با توجه به علم سرشار و کاردانی، به قول خودش «قربت‌ریزه‌ای» یافته بود ولی وزیر از این درجه وی هراس داشت و با او دشمنی می‌کرد. نسوی که از این بدطینتی و دشمنکامی وزیر به ستوه آمده بود، از این رتبه ابراز پشیمانی و ندامت می‌کند به امید آن که این دشمنی پایان یابد. گاهی لحن نسوی مهربانانه و دلسوزانه می‌شود؛ او در بیان بیهودگی کمک خواستن از روم و شام که بسیار آسیب دیده‌اند، زبان به نصیحت می‌گشاید: «هیپها! اندامی که به سالها قرحاً علی قرح آورده باشی، به مرهم یک هفته کجا مندمل شود؟» (همان: ۶۲).

اما همین لحن در مقام انتقاد، بسیار تند و گزنده می‌شود: «روباه خداع را بر شیران مصاع و دلیران فراخ فرمان‌روایی و کارفرمایی اثبات کرده» (همان: ۷۶) نسوی در انتقاد از اوضاع نابسامان حکومت که گاهی افراد سفله و نالایق بر سر کار می‌آیند، لحن کلام خود را تغییر داده و سخن خود را با شیوه منتقدانه بیان می‌کند. نویسنده همچنین در انتقاد از فرد نالایی که در غیاب او منشی دربار شده‌است، لحن انتقادی به کار می‌برد: «خطی چون دستگاه کفشگران پریشان؛ عبارتی چون هذیان محموم نامفهوم» (همان: ۴۰).

این لحن تند، گاهی با توهین همراه می‌شود: «چه صلاح توقع می‌توان کرد از حرامزاده‌ای که در نزوان امهات سیرت تیوس پسندیده باشد؟» (همان: ۱۰۷). نسوی که از دیدن اوضاع نابسامان مملکت و ظلم بعضی متوالیان به نهایت دردمندی رسیده است، گاهی در بیان احوال این ظالمان از لحنی توهین‌آمیز بهره می‌گیرد: «چاشنی‌ای از خبثت آن بدرگ که دریا را نجس گرداند، ایراد کردمی» (همان: ۱۰۸).

نسوی در شرح حال «علی عراقی» با لحنی توهین‌آمیز و همراه با اصطلاحات رکیک چنین می‌گوید: «جمال علی عراقی پیش از من بنده آنجا رسیده بود و به عادت گذشته به عصا فروخزیده» (همان: ۱۲۴-۱۲۵) و «هر خباز که دبیریش فرموده، نانش در انبان نهاده و پیش هر محرر که خریطه‌کشی کرده، سر جوال باز داشته» (همان: ۱۲۶) و نیز «دیگر سهل قیاد سست شلوار، بوفسا، غلام بغدی که در آن فتوت از فتور دیگران خویشان را امیر کرده بود» (همان: ۱۳۷). با توجه به این نکته که توهین، تمسخر و طرد ابزارهایی غیررسمی برای نظارت بر اجرای هنجارهای

اجتماعی هستند (کوئن، ۱۳۸۷: ۲۶۰). ایراد چنین لحن رکیکی از شخصیت فاضلی چون نسوی، نشانه‌ی نهایت فسق و فجور شخصیت یاد شده است که غایت تنفر نسوی از او را بیان می‌کند.

ارتباط غیر کلامی: ارتباط غیر کلامی همان ارتباطی است که از وسایل و روش‌های غیر کلامی برای انتقال اطلاعات و ارتباط با دیگران استفاده می‌کند. ارتباط غیر کلامی شامل اشارات، وضع و حرکت‌های اندام، حالت‌های مختلف چهره و مانند آن است (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۷). این نوع ارتباطات شامل ارتباطات غیر کلامی مثل زبان بدن، اشاره‌ها، لبخندها، تماس چشمی، و نگاه‌ها می‌شود. ارتباطات غیر کلامی می‌تواند در نشانه‌شناسی شخصیت افراد و طبقات مختلف جامعه تأثیرگذار باشد. ارتباطات غیر کلامی در نفثه المصدور نموده‌های مختلفی دارد که نشان از حالت‌های گوناگونی دارد. نسوی، خود در عبارت: «چون صورت حال بدانستم، سر بر کف دست گرفته، عنان به بادپای سپردم» (نسوی زیدری، ۱۳۹۳: ب: ۵۱) از نشانه‌شناسی ارتباط غیر کلامی بهره می‌جوید و به وضعیت وخیم نبرد پی می‌برد. او همچنین سخنان مردم گنجه را نیز نشانه‌شناسی می‌کند: «دلایل خسار و بوار از اقوال ایشان واضح شد و دانستم که هر آینه دست به شور و شر برانند» (همان: ۵۷). گویا که سخنان و افعال مردم در آن دوره، نشانه‌های از شورش به او می‌دهند و او این نشانه‌ها را شناسایی کرده و به همین دلیل گنجه را ترک می‌کند.

نسوی در بیان شدت وحشتناکی خبری که به او رسیده‌است، می‌گوید: «با آنکه از هول حادثه متوقع دم، که عبارت از نفس است، در مجاری حلق فرو مرده بود» (همان: ۷۱) که عبارت «فرومردن نفس در حلق» نشانه‌ی نهایت ترسناکی خبر کسب شده، که همان حمله مغول است، می‌باشد.

نوع دیگر ارتباط غیر کلامی نشانه‌ی تعجب و شگفتی است چنانکه نسوی در جمله: «به اتفاق انگشت خلق به دندان ماند» (همان: ۱۳۰) حالت مردم را از روی کار آمدن فرد فاسقی مانند جمال علی عراقی بیان می‌کند که حالت انگشت به دندان ماندن نشانه‌ی تعجب و شگفتی است؛ مؤلف در اینجا از ارتباط غیر کلامی بهره جسته و ارتباط کلامی صورت نگرفته‌است.

ارتباط غیر کلامی نسوی در هنگام کارزار چنین به تصویر کشیده شده است آنگاه که قصد خوی کرده بود و افرادی که برای کشتن او اجبر شده بودند، او را محاصره می‌کنند: «سر اسپ باز کشیدم و دست به شمشیر برد» (همان: ۱۳۹). او چون محاصره می‌شود و هیچ راه گریزی نمی‌یابد، دست به شمشیر می‌برد که نشانه‌ی است تا به مهاجمان بنمایاند که آماده‌ی جنگ و دفاع از خویش است. او همچنین در ادامه وقتی که با مهاجمان وارد نبرد همه جانبه می‌شود، می‌گوید: «در محامات نفس و محافظت جان، حرکه المذبوحی به جای آورد» (همان: ۱۳۹) که عبارت «حرکه المذبوحی» به معنی همچون دست و پا زدن حیوان هنگام ذبح شدن است که نشانه‌ی نهایت سعی و تلاش نسوی برای زنده ماندن است.

خوراک: تغذیه فعالیتی است برای پاسخ دادن به نیازهای ضروری زندگی انسان، که آدمی به واسطه آن، انرژی لازم و کافی را برای فعالیت‌های مختلف جسمانی را کسب می‌کند؛ با این وجود، نوع تغذیه انسان فعالیت فرهنگی محسوب می‌شود. این که انسان چه غذایی را و چگونه بخورد، در هر موقعیتی، چه غذایی بخورد و در کدام موقعیت نباید بخورد و... همگی نشانه‌های هویت‌ساز، ارز آفرین و متمایز کننده خود از دیگری هستند (سجودی، ۱۳۹۰: ۲۳۱).

خوراک در نفثه المصدور نموده‌های مختلفی از جمله قناعت، دناوت، بیان اختلاف طبقات اجتماعی و... دارد که از جنبه نشانه‌شناسی قابل بررسی است. نسوی از «بلاله» به عنوان نشانه‌ای برای بیان نهایت قناعت استفاده می‌کند: «از لذت خورد و شراب به بلاله‌ای راضی شده و از راحت خواب و قرار به علاقه‌ای قانع گشته» (نسوی زیدری، ۱۳۹۳: ب: ۵۱). رضایت به بلاله نشانه‌ی نهایت وخامت اوضاع روزگار است، طوری که به باقی مانده اندک از هر چیزی که با آن فقط بتوان لب را تر کرد، قناعت دارند.

نسوی در بیان ظلم والی «آمد» که مردم با امیدواری به آنجا پناه برده بودند، می‌گوید: «خلالات ثغور از بن دندان گرسنگان برکنند» (همان: ۱۰۵) که عبارت برکندن خلالات ثغور از بن دندان، نشانه‌ی نهایت ظلم و ستم ولی آمد است که

حتی به طعامی که در لای دندان مردمان گرسنه وجود دارد، رحم نمی‌کند. گاهی آوردن نام خوراک نشانهٔ دنائت است؛ مانند: «مانند روباه خسیس به ضراحت قنیصه شیر سیر گشت» (همان: ۱۰۶) که نسوی برای بیان دنائت طبع وال آمد، از نشانهٔ ضراحت استفاده می‌کند.

نتیجه‌گیری

بررسی نفثه المصدور از دیدگاه نشانه‌شناسی، بیانگر این نکته است که نسوی در تألیف این اثر توجه ویژه‌ای به مقولهٔ نشانه‌شناسی اجتماعی داشته است. نسوی توانسته است به شکل مطلوبی این نشانه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی از جمله شغل، پوشاک، اسامی و... به تصویر کشد.

در پژوهش حاضر، نشانه‌های اجتماعی که در ابعاد مختلفی در نفثه المصدور تصویر شده‌اند، بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو و با توجه به دو مؤلفهٔ «هویت» و «آداب معاشرت» مورد بررسی قرار گرفته است. دستاوردهای این پژوهش بیانگر آن است که نسوی، توانسته است با بهره‌گیری از انواع نشانه‌ها در کتاب نفثه المصدور خود، جنبه‌های مختلفی از اوضاع و شرایط اجتماعی زمان خویش را در ابعاد گوناگونی چون: شغل، خوراک، اسامی، لحن کلام، پوشاک و... بازتاب دهد که هر یک از این نشانه‌ها کارکرد مخصوصی دارند.

نسوی از میان مؤلفه‌های «هویت» از نشانه‌های اسامی، شغل، مکان، پوشش و لباس، آیین و باورها استفاده کرده است و از بین نشانه‌های «آداب معاشرت» نیز از نشانه‌های لحن کلام، ارتباط غیرکلامی و خوراک بهره جسته است. مؤلف از اسامی خاص به عنوان نشانه‌ای برای بیان منظور و مقصود خود استفاده می‌کند و بنابر زمان و موقعیت پیش آمده، به این اسامی مراجعه می‌نماید. نام‌هایی که او در نفثه المصدور از آنها یاد می‌کند، نشانهٔ سیاهی و سفیدی در بطن خود دارند؛ برخی اسامی نمود و نشانهٔ شر مطلق هستند؛ مانند: جمال علی عراقی و بعضی دیگر نماد خیر متعلق؛ مانند: خاندان ایوبی. مؤلف در سراسر اثر خود از شغل‌های هر دو طبقهٔ جامعه یعنی فرادست و فرودست یاد می‌کند و از آنجایی که خود عضو طبقهٔ فرادست است، شغل‌های فروست را به عنوان نشانهٔ در کنایه‌ها و هنگام مجازات یا بدگویی برای تحقیر مخاطب خویش، نام برده‌است؛ مانند: خبّاز و خریده‌کش.

مکان‌هایی که نسوی در کتاب خود از آنها نام برده است. هر کدام نمود سیاهی یا سفیدی دارند و در واقع او از نام برخی مکان‌ها به عنوان نشانهٔ خیر و آبادانی استفاده کرده است؛ مانند: خراسان و آذربایجان و برخی مکان‌ها نمود ویرانی و خرابی‌هایی هستند که مغول‌ها بر جای گذاشته‌اند؛ مانند: خوی.

نسوی اشارهٔ زیادی به پوشش نداشته است و مخصوصاً از پوشش طبقه فرودست جز در یک مورد، یاد نکرده است. لحن کلام نسوی در نفثه المصدور در بازگویی موقعیت‌های مختلف، نموده‌های متفاوتی دارد که هر کدام نشانهٔ حالات مختلف او است. لحن وی گاه دلیرانه و شجاعانه است و گاه مظلومانه و گاه محترمانه است و گاه توهین‌آمیز که هر یک از این لحن‌ها مبتنی بر دلایل مختلفی است؛ برای مثال نسوی در ابتدا، بنابر اندوهی که در سینه دارد (چنانکه از نام اثر مشخص است) دیباچهٔ کتاب خود را با لحنی غمگین و اندوهناک آغاز می‌کند.

ارتباطات غیرکلامی در نفثه المصدور نموده‌های مختلفی دارد. او از نشانه‌های ارتباط غیرکلامی مختلف بهره می‌جوید که با نشانه‌شناسی این نشانه‌ها می‌توان به حالات مختلف نسوی در موقعیت‌های متفاوت پی برد.

خوراک در نفثه المصدور نشانهٔ حالات مختلفی از جمله قناعت، دنائت، بیان اختلاف طبقات اجتماعی و... دارد که از جنبهٔ نشانه‌شناسی قابل بررسی است. نسوی از «بلاله» به عنوان نشانه‌ای برای بیان نهایت قناعت استفاده می‌کند.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۳). *از نشانه‌های تصویر تا متن*. تهران: نشر مرکز.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۹). *تاریخ مغول*، چاپ اول، تهران: سپهر ادب.
- ایلگتون، تری (۱۳۸۰). *درآمدی بر نظریه ادبی*، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- بارت، رولان (۱۳۸۳). *نشانه‌شناسی ادبی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: فرهنگ.
- بتلاب اکبرآبادی، محسن، و خزانه دارلو، محمدعلی (۱۳۹۰). «تموذهای رمانتیسزم در نفثه المصذور»، *متن‌شناسی ادب فارسی* (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، شماره ۴۷ (۳) (پیاپی ۱۱)، صص ۴۷-۶۶.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *جهانی شدن و هویت ملی و جهانی شدن*. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جوینی، عطاملک (۱۳۹۰). *تاریخ جهانگشا*. جلد اول. تصحیح محمد قزوینی. چاپ پنجم. تهران: دنیای کتاب.
- خدادادیان، مهدی، و اسداللهی، خدابخش (۱۳۹۸). «تحلیل نفثه المصذور از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی»، نشر پژوهی ادب فارسی، دوره ۲۲، شماره ۴۵، صص ۹۱-۱۱۸.
- خانلری، زهرا (۱۳۴۸). *فرهنگ ادبیات فارسی*، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- خزانه دارلو، محمدعلی، و قاسمی، علیرضا (۱۳۹۵). «گزاره‌های انشایی در نفثه المصذور»، *فنون ادبی*، شماره ۸ (۳) (پیاپی ۱۶)، صص ۱۰۳-۱۱۸.
- رضی، داوود (۱۳۸۱). «سنجش نگرش دانشجویان به آینده شغلی خود با توجه به عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آن در دانشگاه مازندران»، *مجله مطالعات و پژوهش‌های ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۳۰-۳۱، صص ۲۹۵-۳۲۶.
- روتیو، پنتی (۱۳۸۱). «نشانه‌شناسی مصنوعات»، ترجمه فرهاد گشایش، *زیبا شناخت*، شماره ۶ (۱۸)، صص ۱۱۹-۱۳۶.
- ریچموند، وبرجینیایی، جیمزسی، مک کروسکی (۱۳۸۸). *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی (درس‌نامه ارتباطات غیرکلامی)*، ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله پور، زیر نظر غلامرضا آذری. تهران: دانژه.
- زندی، بهمن، لطیفی، آناهیتا و دیگران (۱۳۹۹). «دگرذیسی هویت و تغییر نام اشخاص: یک بررسی نام‌شناختی اجتماعی». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۹، شماره ۳، صص ۶۴۱-۶۶۴.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). *معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*، تهران: علم.
- سجودی، فرزاد (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی؛ نظریه و عمل*، تهران: علم.
- سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸). *دوره زبان‌شناسی عمومی*، ترجمه کوروش صفوی، چاپ اول، تهران: هرمس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). *سبک‌شناسی نثر*، چاپ هفتم. تهران: نشر میترا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۵). *تاریخ ادبیات ایران*، جلد دوم، تلخیص محمد ترابی، تهران: فردوس.
- طهماسبی، فریدون، و مظفری، سولماز (۱۳۹۵). «سبک‌شناسی نفثه المصذور زیدری نسوی»، *فنون ادبی*، شماره ۸ (۱۴)، صص ۱۷۳-۱۸۸.
- فاولر، راجر (۱۳۹۰). *زبان‌شناسی و نقد ادبی*. ترجمه مریم خوزان. تهران: نشر نی.
- فرهنگی، سهیلا و معصومه باستانی خشک بیجاری (۱۳۹۳). «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان بیوتن»، نقد ادبی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۲۱-۱۵۱.
- محبوب، فرشته (۱۳۹۵). «واکاوی ساختاری و زیباشناختی نفثه المصذور». *فنون ادبی*، ۸ (۴) (پیاپی ۱۷)، صص ۲۰۷-۲۲۲.
- کوئن، بروس (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
- گیرو، پی‌یر (۱۳۹۹). *نشانه‌شناسی*، ترجمه محمد نبوی، ویراست دوم. تهران: آگه.
- موسویان، شاهرخ (۱۳۹۳). *شرح نفثه المصذور*. تهران: دستان.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۴). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- نسوی زیدری، شهاب‌الدین محمد (۱۳۴۳ الف). *نفثه المصذور*، به تصحیح امیرحسین یزدگردی، تهران: اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش. (در متن همه جا نسوی است نه نسوی زیدری)

- نسوی زیدری، شهاب الدین محمد (۱۳۹۳ ب). شرح نفثه المصدور، به کوشش شاهرخ موسویان. تهران: داستان.
- نوری، علیرضا (۱۳۸۱). «معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی مصرف آن»، اندیشه صادقی، شماره ۸-۹، صص ۱۲۲-۱۲۹.

